

راهبرد مبارزاتی امام خمینی(ره): بسیج سیاسی مردم

احمدرضا شاه علی^۱

چکیده

با توجه به نقش تعیین کننده رهبری حضرت امام خمینی(ره) در شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شناسایی و تبیین راهبرد مبارزاتی ایشان که منجر به جلب همراهی و حمایت ملت شد، دارای اهمیت فراوان است. در این مقاله، از نظریه چارلز تیلی در مورد چگونگی بسیج سیاسی گروه‌های رقیب در مقابل حاکمیت، برای تشریح این موضوع استفاده شده و نقش و کارکرد چهار عامل مورد نظر وی یعنی ایدئولوژی، رهبری، سازمان و توده مردم در بسیج سیاسی مردم ایران مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین نحوه اجرای دو راهبرد رقیب بسیج سیاسی مردم، یعنی راهبرد مبارزاتی مسلحانه و راهبرد مبارزاتی اصلاح طلبانه در طول سال های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی بررسی شده و دلایل ناکامی هر یک از آنها و علل مخالفت حضرت امام(ره) با هر یک، به طور جداگانه توضیح داده شده است. فرضیه اصلی مقاله آن است که راهبرد مبارزاتی امام(ره)، بسیج سیاسی مردم در طول حرکت انقلاب اسلامی بوده است. این راهبرد کارآمدی خود را نه تنها در پیروزی انقلاب اسلامی بلکه در مقایسه با سایر انقلاب‌های جهان نیز نشان داده است. این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی سامان یافته است.

کلید واژه‌ها: امام خمینی، انقلاب اسلامی، مبارزه، چارلز تیلی، بسیج سیاسی، ایدئولوژی.

مقدمه

تاریخ مبارزات کشورهای جهان سوم در سده اخیر نشان می‌دهد که مبارزاتی به ثمر نرسیده که رهبران آن از قابلیت‌های لازم برای اداره و سازمان‌دهی نهضت برخوردار بوده‌اند، زیرا رهبری به‌عنوان ایدئولوگ حرکت، نه تنها به ارائه نقد و نفی ارزش‌ها و ساختار وضع موجود و ترسیم ارزش‌های نظام مطلوب پرداخته بلکه راهبرد و روش براندازی نظام موجود و مسیر رسیدن به خواسته‌ها و اهداف جامعه را نیز تبیین نموده است.

انقلاب اسلامی، تحت‌تأثیر شخصیت حضرت امام خمینی(ره) بوده که در شکل‌گیری، پیروزی و مراحل بعد از پیروزی انقلاب نقش بسزا و تعیین‌کننده‌ای داشته است. ایشان در حساس‌ترین مقاطع تاریخی ایران پای به عرصه مبارزات سیاسی گذاشت که با دقت نظر و تحلیل صحیح مسائل اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایران توانست اندیشه مبارزاتی خویش را شکل دهد.

امام(ره) به خوبی می‌دانست که یکی از موانع مهم بر سر راه مبارزه با حکومت پهلوی، اندیشه جدایی دین از سیاست در افکار روحانیون و مردم است که خود عامل مهمی برای همراهی نکردن آنها با اندیشه‌های سیاسی و انقلابی و از سوی سکوتشان در برابر سیاست‌های رژیم منحن شاه است، لذا با نشر تفکر نفی جدایی دین از سیاست و مطرح کردن اسلام به عنوان نظامی سیاسی و کامل، گامی مهم در جهت بسیج عمومی ملت برداشت و توانست روحیه سیاست‌گریزی روحانیت را از بین ببرد و آنها را به مسیر مبارزه با رژیم پهلوی بکشانند.

در این مقاله سعی شده با مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای و براساس شیوه توصیفی، تحلیلی راهبرد مبارزاتی حضرت امام(ره) را بررسی نماییم. لازم به ذکر است که بررسی پیشینه این بحث در معدود کتب و مقالات منتشر شده نشان می‌دهد اولاً عمده مطالب تألیف شده در زمینه بسیج منابع برای پیشبرد انقلاب اسلامی معطوف به بررسی رهیافت نظری یا تاریخی موضوع بوده و کمتر از رویکرد تطبیقی و مقایسه‌ای برخوردار بوده و ثانیاً در این مقاله علاوه بر منحصر به فرد بودن موضوع و فرضیه مقاله، از روش بررسی و نقض فرضیه‌های رقیب استفاده شده و لذا رویکرد به‌کارگرفته شده در این مقاله برای درک و تبیین راهبرد مبارزاتی امام خمینی(ره) کاملاً نو و بر مبنای استنباط تازه‌ای از نظریه بسیج سیاسی چارلز تیلی است که تاکنون مورد توجه نبوده است. بر همین اساس، فرضیه اصلی مقاله عبارتست از: راهبرد مبارزاتی امام(ره)، بسیج سیاسی مردم در طول حرکت انقلاب اسلامی بوده است. برای رسیدن به این مطلوب با چارچوب نظری بسیج سیاسی منابع چارلز تیلی، ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل فرضیه‌های رقیب که عبارتند از: ۱- راهبرد مبارزاتی مسلحانه در طول انقلاب و ۲- راهبرد مبارزاتی اصلاح طلبانه در طول انقلاب، در صدد اثبات فرضیه اصلی خواهیم برآمد.

چارچوب نظری

مهمترین تئوریسین بسیج سیاسی منابع، چارلز تیلی است که مطالعات خودش را در کتاب «از بسیج تا انقلاب» ارائه کرده است.

چارلز تیلی چگونگی بسیج سیاسی گروه‌های رقیب در مقابل حاکمیت را مورد توجه قرار داده و براساس الگوی بسیج، به تحلیل و تجزیه انقلاب می‌پردازد.

بسیج فرآیندی است که طی آن یک واحد اجتماعی که بیشتر منابع سه‌گانه‌ی جمعیتی، اقتصادی و نظامی قدرت را در دست نداشته، آنها را در دست می‌گیرد (A. Etzion, 1968: 388). در این مجموعه، منابع جمعیتی با جلب وفاداری توده‌ی مردم در اولویت نخست قرار دارد. توده مردم، غالباً با دو انگیزه اخلاقی و سیاسی به بسیج گران می‌پیوندند. انگیزه اخلاقی ممکن است سلبی یا ایجابی باشد. بُعد سلبی آنکه توده مردم رژیم پیشین را مستبد، غیر عادلانه و عنصری می‌دانند که سبب محرومیت نسبی آنان شده؛ در حالی که بُعد ایجابی آن است که توده مردم اسطوره‌ی جدید انقلاب را عملی جمعی برای رستگاری تلقی می‌کنند. اما انگیزه سیاسی می‌تواند با هدف ساماندهی مجدد امور سیاسی- نهادی و دستیابی به قدرت باشد (Argomand, 1986: 38).

چارلز تیلی براساس الگوی بسیج به تجزیه و تحلیل عوامل تعیین کننده در عملکرد مدعیان قدرت پرداخته و بر اساس این الگو، توانایی گروه‌ها در رسیدن به قدرت را وابسته به ۳ عنصر می‌داند.

میزان کنترل بر منابع جمعیتی، میزان کنترل بر منابع تهدید و اجبار و میزان کنترل بر منابع اقتصادی. حال اگر گروهی کنترل خود را بر هریک از این ۳ منبع یا تمامی آنها اعمال کند، در حال بسیج است (Tilly, 1978 : 69-79).

می‌توان از دو زاویه به بسیج نگریست، یکی شرایط و زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسیج منابع و پیدایش وضعیت انقلابی و دیگری بررسی ارکان چهارگانه بسیج یعنی ایدئولوژی، رهبری، سازماندهی و جمعیت است.

مدلی که چارلز تیلی بر آن تأکید دارد بسیجی است که مشخصه‌ی اصلی آن را در سازمان و منافع گروهی می‌داند. بحث بسیج سیاسی را می‌توان در بُعد وسیعتری مطرح و آن را حاوی چهار رکن که در حقیقت چهار ویژگی انقلاب نیز حساب می‌آید، دانست که عبارتند از: ایدئولوژی، رهبری، سازمان و توده مردم (احمدوند، ۱۳۷۶: ۶۰).

۱. ایدئولوژی انقلابی

هر ساختار اجتماعی دارای ایدئولوژی خاص خود بوده که چگونگی زندگی اجتماعی را تعیین می‌کند. ایدئولوژی انقلابی اگرچه ممکن است بر اساس دستگاه‌های فکری و فلسفی نباشد، اما حامیان آن اساساً در پی دستیابی به نتایج عملی هستند. ایدئولوژی برعکس نظریه فلسفی که در پی انگیزش فرد به تعقل است می‌کوشد تا احساس او را برانگیزد (بشیریه، ۱۳۷۲: ۸۱).

ایدئولوژی نقش عمده‌ای در بسیج انقلابی دارد. کرین بریتون در کتاب «کالبد شکافی انقلاب» می‌گوید:

«اندیشه‌ها همواره بخشی از وضعیت پیش از انقلاب هستند و بدون آنها انقلاب وجود نخواهد داشت. این بدان معنا نیست که اندیشه‌ها موجد انقلابند و یا منع اندیشه‌ها بهترین راه جلوگیری از انقلاب است، بلکه تنها بدین معنی است که اندیشه‌ها در تحلیل عوامل رفتار جمعی جزئی از متغیرها را تشکیل می‌دهند» (Brinton, 1965 : 49).

ایدئولوژی منشوری است که از سویی وضع موجود جامعه را نقد کرده و از سویی دیگر آینده‌ای مطلوب را برای انقلابیون و جامعه ترسیم می‌کند. بر این اساس سه کار ویژه ایدئولوژی عبارتند از:

- ۱- تقبیح وضع موجود و یافتن دشواری‌ها و نابسامانی‌ها. ایدئولوژی بسیج معمولاً تعبیری ساده و عام فهم از دشواری‌ها عرضه می‌کند و بر وجوه مشترک اعتراضات گروه‌های مختلف اجتماعی انگشت می‌گذارد و برای رفع آنها راه‌حل‌های عملی پیشنهاد می‌دهد.
- ۲- ترسیم وضع مطلوب و ایده‌آل و تعیین اهداف غایی جنبش. تصویر ایدئولوژی‌های بسیج از وضع مطلوب مبهم است و این ابهام نیروی تخیل پیروان ایدئولوژی انقلاب را بیشتر بر می‌انگیزد و به نیروی بسیج می‌افزاید.

- ۳- ارائه تبیین تازه‌ای از تاریخ به سود جنبش و ستایش از گذشته آن (حسین بشیریه، ۱۳۷۲: ۸۲).

ایدئولوژی بسیج وقتی به صورت ایدئولوژی کل جامعه پذیرفته و ظاهر شود، توانایی بسیج همگانی پیدا می‌کند؛ هرچند اساساً ایدئولوژی یک طبقه یا قشر اجتماعی باشد.

شرط اساسی‌تر بسیج انقلابی، رهبری است که ایدئولوژی را عرضه می‌کند و به جنبش جهت و دوام می‌بخشد.

۲. رهبری

رهبری بسیج، هماهنگ کننده اصلی نیروهای درگیر در منازعه انقلابی است چرا که بدون رهبری احتمال دارد نیروهای درگیر در منازعه به جای اینکه اعتراض و عمل سیاسی خود را متوجه حکومت مستقر کنند، آن را متوجه یکدیگر نمایند. از سوی دیگر، حرکت انقلابی یکسره جنبش توده‌ای نبوده بلکه ترکیبی از سازمان و جنبش توده‌ای است و رهبری عمده‌ترین عنصر سازمان دهنده بسیج است.

بسیج انقلابی نیازمند رهبری است. رهبران، اهداف جنبش را روشن می‌کنند، درباره شیوه برخورد با حکومت تصمیم می‌گیرند، وضع موجود را براساس ایدئولوژی بسیج تحلیل می‌کنند، تصویری از جامعه‌ای بهتر ترسیم می‌نمایند و هواداران خود را متقاعد می‌سازند که جنبش پیروز خواهد شد.

رهبری بسیج، اندیشه جمعی جنبش را عرضه می‌کند که تظاهرات و ازدحامات و اعتصابات انقلاب حول آن صورت می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۲: ۹۳).

این اندیشه جمعی در بردارنده‌ی ارزش‌های مشترک و تصورات دستوری و هنجاری نیرومند است.

هارولد لاسول از پیشگامان روانکاوی سیاسی برای رهبران انقلاب ۳ تپ شخصیتی مدیر، آشوبگر و ایدئولوگ را از یکدیگر متمایز می‌کند. از نظر او تپ مدیر، سالم و دو تپ دیگر بیمار گونه‌اند (بشپریه، ۱۳۷۲: ۸۹).

متفکران نهضت‌های اجتماعی، رهبران انقلاب را به ۳ دسته تقسیم کرده‌اند: رهبران فکری یا ایدئولوژی پرداز، رهبران بسیج‌گر یا کاریزماتیک و رهبران سیاست‌گذار یا مدیر.

رهبر نوع اول بیشتر در مراحل پیش از بسیج، به ارائه ایدئولوژی، تقبیح وضع موجود و ترسیم آینده می‌پردازد. این گروه پیش از تکوین وضعیت انقلابی و بسیج سیاسی در جامعه ظهور می‌کند. زمانی که ایدئولوژی در جامعه مورد پذیرش اکثریت واقع شد، رهبر نوع دوم با اتخاذ تکنیک‌های مختلف روند بسیج سیاسی را اشاعه داده و در آخرین مرحله، نوبت به رهبر مدیر می‌رسد. البته ممکن است رهبری دارای یک یا دو یا هر سه ویژگی باشد. (بشپریه ۱۳۷۲: ۹۲).

۳. سازمان

چارلز تیلی در تعریف از سازمان به دو محور عمده اشاره می‌کند: میزان هویت مشترک و ساختار وحدت بخش (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳). او برای توضیح این دو مفهوم از بحث روابط دسته‌ای و روابط شبکه‌ای بهره می‌گیرد. روابط دسته‌ای، روابط میان افراد حول ویژگی‌های مشترک است مانند هویت جنسیتی، نژادی، ملی، سنی، مذهبی و روابط شبکه‌ای به ارتباط پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم به واسطه نوعی خاص از علقه‌های بین اشخاص اشاره دارد. ترکیب این دو دسته منجر به پیدایش گروه می‌شود. به اعتقاد تیلی «هر قدر که یک گروه از هویت مشترک و شبکه‌های داخلی وسیع‌تری برخوردار باشد، سازمان یافته‌تر است» (تیلی، ۱۳۸۵: ۹۵).

توانایی و ظرفیت گروه‌ها برای بسیج منوط به ۳ عامل است: امکانات و منابع موجود، میزان مساعد بودن شرایط محیط و مهم‌تر از همه تشکیلات و سازمان. بر این اساس چنانچه شبکه سازمانی ضعیف باشد اگرچه گروه‌های اجتماعی از میزان وفاداری بالایی برخوردار باشند، امکان به کارگیری این تعهد و پایبندی تقلیل می‌یابد. در حالی که چنانچه سازمان نیرومند باشد، هر قدر هم وفاداری کم‌تر باشد سازمان می‌تواند در جهت تقویت و جلب وفاداری بیشتر بکوشد (Tilly, 1978 : 62 – 68).

سازمان کار ویژه‌های مختلفی دارد که عبارتند از: ۱- ایجاد ارتباط دقیق و منطقی میان نیروهای انقلابی با یکدیگر، انقلابیون و توده مردم و این هر دو با رهبری. ۲- حفظ و تأمین ارتباطات و رساندن اخبار و اطلاعات. ۳- پشتیبانی و حمایت مالی و تدارکاتی. سازمان‌ها را می‌توان به دو دسته سنتی و نوین تقسیم کرد. سازمان‌های سنتی ریشه در تاریخ جامعه دارند و متعلق به دوره خاصی از انقلاب نیستند و در زمان انقلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد. مانند: مساجد، بازار و دانشگاه‌ها و ... اما سازمان‌های نوین آنهایی هستند که صرفاً به منظور تحقق اهداف انقلاب ایجاد شده و سابقه‌ای پیش از انقلاب نداشته‌اند،

لذا زمانی که شرایط وجودی آنها از بین می‌رود، ادامه حیاتشان غیر ضروری است (مانند: شورای انقلاب و ... (احمدوند، ۱۳۷۶: ۸۰).

۴. جمعیت (توده مردم)

مهمترین رکنی که باید در روند انقلاب بسیج شود، توده‌های مردم هستند. بسیج‌گران باید بتوانند وفاداری توده مردم را به خود جلب نمایند. براساس نظریه چارلز تیلی مهم‌ترین پیش شرط وقوع انقلاب‌ها نه تحولات اجتماعی است و نه تحولات اجتماعی- روانی، بلکه وضعیت منافع، بسیج، استراتژی، سرکوب و قدرت است. تیلی کمترین ارتباط میان شرایط انقلابی و نتایج انقلاب را وقوع دانسته و سه دسته شرایط را به عنوان شرایط انقلابی بر می‌شمارد: ظهور گروه‌های متعارض با ادعای انحصاری برای قدرت، وفاداری بخش عمده‌ای از جمعیت به آنها یا جلب وفاداری‌های مردم و بالاخره عدم خواست یا توان حکومت در سرکوب آنها. بر این اساس لازمه انقلاب آن است که بخش مهمی از جمعیت، اقتدار سیاسی یک مجموعه مستقل از حکومت را به رسمیت شناخته و به آن مشروعیت بخشند (Tilly, 1978 : 200).

در روند بسیج و مشارکت مردمی باید فرآیند بسیج جنبه متوازن داشته باشد؛ یعنی میان میزان بسیج توده‌ای و دستاوردهای بعدی، آن توازن برقرار باشد. بنابراین اگر جمعی عظیم برای هدف محدودی بسیج شوند، احتمال تبدیل این بسیج به ضد بسیج منتفی نیست، چرا که بر اساس نظر «تدرابرت گار» چنانچه میزان بسیج توده‌ای بیش از پیشرفت و توسعه باشد، انتظارات جامعه افزایش می‌یابد؛ در حالی که امکانات و توانایی‌ها همچنان ثابت می‌ماند (Gurr T. Robert, 1971: 51).

راهبرد مبارزاتی مسلحانه

زمینه شکل‌گیری مبارزات مسلحانه پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ هـ.ش به دلیل احساس سرخوردگی از مبارزات سیاسی از یک سو و سرکوبی شدید قیام ۱۵ خرداد از سوی دیگر، در میان گروه‌های مختلف پدیدار شد. جذابیت مبارزه مسلحانه و اساساً فکر تغییر در شیوه مبارزه با رژیم، تقریباً به صورت همزمان، اما مستقل از یکدیگر هم در میان نیروهای چپ و هم در میان نیروهای مذهبی رسوخ یافت (زیبا کلام، ۱۳۷۲: ۲۴۶).

این روش اگرچه در ابتدا توانست موجب تقویت روحیه مردم شود و هژمونی قدرت دربار پهلوی را درهم بشکند، ولی با گذشت زمان مشخص شد که تکیه صرف بر این شیوه اولاً؛ مبارزه را در تعداد معدودی که توان استفاده از اسلحه و آموزش‌های مربوطه را دارند، محدود می‌کند و ثانیاً؛ به دلیل عدم هماهنگی اکثر گروه‌های مسلح- نظیر: چریک‌های فدایی خلق، مجاهدین خلق و گروه‌های چریکی مذهبی- با شیوه مبارزاتی رهبری انقلاب اسلامی، مبارزه به شیوه مسلحانه قدرت فراگیر شدن و تبدیل به یک حرکت توده‌ای مردمی نخواهد داشت.

حضرت امام(ره) با تجربه از نهضت‌های یکصد سال اخیر، با تغییر هدف مبارزه از دولت به حمله مستقیم علیه شخص شاه و اربابان او و تغییر رویکرد مبارزه از انگیزه‌ها و اهداف سیاسی به اهداف ارزشی و دینی و مطرح کردن تکلیف و خواست مذهبی، مبارزه را از میان قشر خاصی مثل روشنفکران و تحصیلکردگان و ... به متن توده‌های جامعه کشاند.

ایشان با استفاده از تاکتیک مقاومت منفی، نفوذ در قلب ملت و تکلیف شرعی دانستن حرکت مبارزه و استفاده از توان گروه‌های مبارز و عدم طرد آنها و ... توانست حرکت انقلاب را تا مرحله پیروزی هدایت کند و لذا در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی با عنایت به همراهی بسیاری از نظامیان با مردم انقلابی و همین‌طور استفاده از تاکتیک‌های فوق‌الذکر، امام(ره) هیچ نیازی به صدور فرمان جهاد مسلحانه احساس نکردند. از همین رو ایشان در پاسخ به سؤال خبرنگار نشریه تایمز که «اگر تمام راه‌ها بسته شود، آیا فرمان جهاد مسلحانه صادر می‌کنید؟» فرمودند: «اگر تمام راه‌ها بسته شود، مورد مطالعه قرار خواهم داد، ولی با شناختی که من از ارتش دارم به این مرحله نخواهد رسید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۹۲).

با نگاهی گذرا به سیره نظری و عملی حضرت امام(ره) می‌توان دریافت که، امام(ره) به مبارزات مسلحانه اصالت نمی‌داد و مبارزه را به شیوه مسلحانه نمی‌پسندید و هیچ وقت هم رهنمودی بر این اساس نداشته‌اند، لیکن صد درصد و قاطع هم آن را رد نمی‌کردند (خسروی، ۱۳۷۹: ۲۳۶). و اینکه چرا از سوی امام(ره) به طور صددرصد با حرکت مسلحانه مخالفت نمی‌شد را می‌توان در نظر حمید روحانی از یاران امام(ره) جستجو کرد. او معتقد است که امام(ره) بنا بر رسالت رهبری، با عدم طرد حامیان این شیوه مبارزاتی درصدد بود که هم زمینه‌ای برای سرکوب آنان توسط رژیم فراهم نگردد و هم مجال لازم برای جبران لغزش‌ها و ایجاد اصلاحات در آنان به وجود آید.

اگر چه امام(ره) در ملاقات با اعضای سازمان مجاهدین خلق که برای تعیین مواضع خود خدمت ایشان رفته بودند و نیز در ملاقات‌های خصوصی با یاران و شاگردان خویش به وضوح به انحراف آنها و به صلاح نبودن مشی مسلحانه، تذکرات لازم را داده بودند (روحانی، ۱۳۷۴: ۵۳-۶۴۷).

علیرغم اینکه اکثر گروه‌های سیاسی به سمت مبارزه مسلحانه حرکت کرده بودند، این شیوه به‌عنوان راهبرد مبارزاتی از سوی امام(ره) مورد قبول قرار نگرفت. از جمله دلایل مخالفت حضرت امام(ره) با این شیوه مبارزه را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد:

۱- فقدان باور و خود آگاهی و آمادگی لازم در مردم برای قرار گرفتن در مسیر جنگ مسلحانه (هاشمی، ۱۳۷۶: ۱۳۰).

۲- عدم اقبال مردم به حرکت مسلحانه‌ای که از سوی اکثریت گروه‌های چپ مارکستی علیه رژیم و ارتش شکل گرفته بود و با سیاست رهبری انقلاب مغایرت داشت (صدر، ۱۳۷۶: ۵۶).

۳- نبود امکان مسلح کردن توده‌ها با توجه به استقلال نهضت و عدم وابستگی به شرق و غرب (هاشمی، ۱۳۷۶: ۱۳۱).

۴- عدم موفقیت مبارزه مسلحانه با رژیم که با ایجاد سنگر متری اصلاحات و فرم درصد استحکام نفوذ خود بود. چنانچه آقای هاشمی رفسنجانی می‌گوید:

« فراموش نمی‌کنم که در آن روزها به مدرسه مروی برای کاری رفته بودم که با آقای مطهری صحبت کنم. ایشان به من فرمودند: این دفعه مثل گذشته نیست، مبارزه بسیار دشوار است. اینها رفته‌اند در جلد اصلاحات عمیق اجتماعی و شعراهایی را مطرح کرده‌اند که رد آن کار بسیار مشکلی است» (هاشمی، ۱۳۷۶: ۱۳۱).

۵- عدم سلامت نفس در اکثر گروه‌های طرفدار مبارزه مسلحانه. حمید روحانی در کتاب نهضت امام خمینی(ره) می‌گوید:

«از دلایل عدم حمایت امام(ره) از مشی مسلحانه این بود که به مشورت فکر و اندیشه آنها اعتمادی نداشتند و علی‌رغم سفارشات فراوان علما و مبارزین، امام(ره) این شیوه را تأیید نکردند و با پیشنهاد آنها مخالفت کردند» (روحانی، ۱۳۷۴: ۶۵۱).

راهبرد مبارزاتی اصلاح طلبانه

حامیان این شیوه، پیگیر مطالبات سیاسی خود بر مبنای راهکارهای پارلمانیستی و یا اصلاحات مسالمت‌آمیز فرهنگی و اقتصادی بودند. این حرکت راهبردی با پیروزی مشروطه در ایران و شکل‌گیری اولین دوره مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۵ (هش) شروع شد و جریان‌های سیاسی حاضر در مشروطه توانستند از طریق پارلمان و حضور نمایندگان خود، بخشی از قدرت مطلقه سلطنت را محدود کنند. رقابت‌های دولت‌های خارجی در ایران به خصوص روس و انگلیس موجب شد که مجلس در طول هفده سال اول فعالیت نتواند استقلال واقعی خود را بازیابد و سرانجام با ظهور رضاخان، در دوره‌های پنجم تا سیزدهم مجلس، نقش مطلق دولت انگلستان در شکل‌گیری مجالس این دوره قابل مشاهده است. با ظهور پهلوی دوم از سال ۱۳۲۰ (هش) تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی، مجلس محل رقابت جناح‌های مختلف طرفدار شوروی، انگلیس و آمریکا برای کسب قدرت و حذف رقبا بود.

علاوه بر نهضت مشروطیت، از دیگر مصادیق این شیوه مبارزاتی می‌توان به حرکت اصلاح طلبانه و پارلمانی جریان‌های مذهبی و ملی‌گرایی (جبهه ملی) در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت در اسفندماه ۱۳۲۹ (هش) اشاره کرد که با اختلاف و واگرایی جریان‌های داخلی کشور و همگرایی میان کشورهای خارجی، این نهضت هم با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (هش) پایان یافت.

علاوه بر جبهه ملی در دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی و نهضت آزادی که از حاملان این راهبرد بودند، بخش قابل توجهی از نیروهای مارکسیستی نیز در این صف قرار گرفتند. به‌عنوان مثال حزب توده پس از کودتای ۲۸ مرداد به این نتیجه رسید که می‌توان در چارچوب همین رژیم با انجام اصلاحات، راه رشد نظام غیرسرمایه‌داری را سامان داد. این حزب تا سال‌های پایانی دهه ۵۰ بر این مشی خود تأکید داشت و در سال‌های اوج‌گیری انقلاب اسلامی از روش خود عدول کرد.

از جمله دلایل ناکارآمدی مبارزات پارلمانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (خسروی، ۱۳۷۹: ۳۰-۳۱۷):

۱- غیرقابل تغییر بودن نظام سلطنتی و اختیارات قانونی شاه مبنی بر انحلال مجلس موجب می‌شد تا هیچ‌گاه پیروزی از طریق مبارزه پارلمانی و شیوه گام به گام گروه‌های ملی گرا با تمسک به انتخابات، میسر نشود.

۲- وجود تقلب گسترده انتخاباتی در دوره سلطنت پهلوی که نمونه بارز آن عبارتست از: انتخابات دوره هفتم مجلس سال ۱۳۰۷ (ه‌ش)، انتخابات دوره شانزدهم مجلس و انتخابات مجلس بیستم و ...

۳- فقدان کارآمدی مبارزات پارلمانی علی‌رغم وجود دستاوردهایی برای مبارزین آن. از جمله: عقیم ماندن طرح جمهوریت رضاخان، تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت و تثبیت نخست‌وزیری مجدد مصدق و ...

۴- فقدان تشکیلات سیاسی مردمی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی مبارزات و عامل پویایی توده‌ها در جهت کسب خودآگاهی با ظهور جو اختناق، سانسور، شکنجه و حبس در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی.

حضرت امام(ره) در طول دوران مبارزه علیه رژیم پهلوی هیچ‌گاه موافق نظام سلطنت پهلوی نبودند و از ابتدا بر این اصل تأکید داشتند که حاکمیت تنها از آن خداوند است و در راستای اجرایی کردن این حاکمیت حرکت کردند و نسبت به مبارزات پارلمانی توجهی نداشتند چرا که از اصول مبارزات پارلمانی قبول اصل نظام سلطنت و رعایت قواعد بازی در چارچوب نظام شاهنشاهی بود که با دیدگاه‌های مبارزاتی حضرت امام(ره) مغایرت داشت و از سوی دیگر چنین راهبردی نمی‌توانست بسیج آحاد مردم را به منظور براندازی رژیم پهلوی در پی داشته باشد.

امام(ره) در کتاب کشف الاسرار بر مخالفت خود با سلطنت تأکید کرده و می‌فرماید: «جز سلطنت خدایی، همه سلطنت‌ها برخلاف مصلحت مردم است و جز قانون خدایی همه قوانین باطل و بیهوده است» (موسوی خمینی، کشف الاسرار: ۱۸۶).

حضرت امام(ره) در طول مبارزه نیز همواره با حکومت ننگین پهلوی و نظام شاهنشاهی مخالفت می‌کنند: «اسلام با اساس شاهنشاهی مخالفت است. شاهنشاهی از ننگین‌ترین مظاهر ارتجاع است. از اول تاریخ بشر همه انبیاء و علما مأمور بودند در برابر سلاطین و حکومت‌های جابر قیام و مبارزه نمایند. ایران تا گرفتار این دودمان ننگین پهلوی است. روی آزادی را نخواهد دید» (روحانی، ۱۳۵۸: ۷۸).

امام(ره) در جریان سفر مهندس بازرگان به پاریس و درخواست ایشان از امام(ره) مبنی بر ادامه مبارزه با شاه بر اساس مبارزه قانونی و پارلمانی، با آن به شدت مخالفت می‌کنند و پس از پیروزی انقلاب، به این موضوع اشاره می‌کنند:

«پیش‌تر که در پاریس بودم، بعضی آمدند پیشنهاد کردند به اینکه خوب است قدم به قدم جلو برویم و حالا شاه را نگهش داریم و سلطنت بکند و حکومت نکند و بعدش ما مجلس را در دست بگیریم ... و بعدش اینها را از بین ببریم. من به آقا که آدم صحیحی بود- لیکن فکرش اشتباه بود- گفتم: شما

تضمین می‌کنید این معنا را که این نهضتی که الان حاصل شده: بعد از خوابیدن، دوباره روشن کنید؟ گفت: نه. گفتیم: شما تضمین می‌کنید که اگر ما مهلت به شاه دادیم، یک قدم جلوتر برود و فردا همه ما را از بین نبرد؟ گفت: نه. گفتیم: الان یک آتشی روشن شده است و ما باید استفاده کنیم ... الان ما باید همان مطلب نهایی‌مان را عرضه کنیم. مطلب نهایی ما رفتن رژیم منحوس شاهنشاهی ... و رفتن جناح‌های چپ رو است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۲: ۱۳۳).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان در مورد حضرت امام(ره) گفت: ایشان از ابتدای حرکت انگیزه مبارزه با رژیم و شخص شاه را داشتند، ولی با توجه به شرایط و آمادگی جامعه و واقعیت‌های زمانی حرکت می‌کردند.

لذا در مواردی دیده می‌شود که امام(ره) نخست‌وزیر وقت (اسداله علم) را مخاطب قرار می‌دهند و یا شاه را نصیحت می‌کنند؛ این نوعی مدیریت اقتضایی است که به دنبال آن هم اتمام حجت بر رژیم باشد و هم هماهنگی به منظور آمادگی جامعه که بعداً رو در رو با رژیم قرار خواهد گرفت و از سوی دیگر استنادات امام(ره) به قانون اساسی در برخی پیام‌ها و سخنرانی‌ها از باب قاعده الزام خصم در مقام احتجاج با او بوده، در حالی که برخورد نهضت آزادی با قانون اساسی بر مبنای اعتقاد به آن بوده است. بنابراین استراتژی پارلمانی، خط مشی مبارزاتی نیروهای ملی‌گرا و ... بوده و در راهبرد مبارزاتی حضرت امام(ره) از جایگاهی برخوردار نبوده است.

بسیج سیاسی مردم راهبرد مبارزاتی حضرت امام(ره)

با توجه به مباحث مطروحه در بخش‌های ۲ و ۳ در مورد راهبرد مبارزاتی مسلحانه و راهبرد مبارزاتی اصلاح طلبانه به عنوان دو فرضیه رقیب و نفی آن دو از سوی حضرت امام(ره) در طول حرکت انقلاب اسلامی، زمینه اثبات فرضیه اصلی مقاله یعنی استفاده از راهبرد بسیج سیاسی مردم از سوی امام(ره) فراهم می‌گردد. در این بخش بر اساس چارچوب نظری مقاله و نگاهی گذرا به اندیشه و روش عملی حضرت امام(ره) به این نتیجه خواهیم رسید که تنها راهبرد مدنظر امام(ره)، بسیج سیاسی مردم بوده که کارآمدی خود را نه تنها در پیروزی انقلاب اسلامی بلکه در مقایسه با سایر انقلاب‌های جهان نیز نشان داده است.

همان‌طور که گذشت بسیج سیاسی از چهار عنصر تشکیل یافته که در این بخش به بررسی آن در محدوده انقلاب اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

ایدئولوژی: در ایدئولوژی اسلامی نظم اجتماعی تابع قانون بوده، حاکمیت منحصر به خدا و قانون نیز قانون خداست. آنجا نیز که اختیارات محدودی به پیامبر(ص) داده شده از جانب خدا می‌باشد. همه احکام رسول خدا نیز به پیروی از حکم خدا بوده و تبعیت از رسول الله و اولی الامر نیز حکم خداست. در چنین حکومتی دخل و تصرف‌های خود سرانه نظیر حکومت‌های سلطنتی، پادشاهی و امپراطوری وجود ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۵۷: ۵۷).

نگاهی به اصول اندیشه سیاسی اسلام و به ویژه فقه سیاسی شیعه از جمله: ضرورت وجود حاکم و حکومت اهل بیت(ع)، لزوم وجود صفاتی نظیر فقاقت و عدالت در حاکم اسلامی، عدم اطاعت از حاکم ظالم «لاطاعه و لا یبعه له»، تقیه در موارد خطر بر جان و دین، غیبت امام زمان(عج) و اعتقاد به تشکیل دولت جهانی توسط ایشان، موجب تحریک توده مردم به سمت انقلابی شدن و ایجاد روحیه چالش و انقلاب‌گری در علمای شیعه گردیده است. انقلاب اسلامی ایران از جمله انقلاب‌هایی است که بر اساس ایدئولوژی اسلامی شکل گرفت.

همان‌طور که گفته شد، ایدئولوژی انقلاب برای برخورداری از مقبولیت مردمی باید ضمن نفی نظام و ارزش‌های موجود، آینده مطلوبی را در پیش روی انقلابیون ترسیم نماید. در ایران ۳ ایدئولوژی از ابتدای قرن اخیر وجود داشته که گروه‌های اجتماعی را به سمت خود فرا می‌خواندند که عبارت بودند از: «ناسیونالیسم، سوسیالیسم و اسلام».

ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی به عنوان حربه‌ای برای مبارزه با سلطه استعمارگران و بیگانگان مورد استفاده قرار می‌گرفت. این ایدئولوژی توانسته بود نظر طبقات روشنفکر و تحصیل کرده و طبقات متوسط شهری را به خود جلب نماید و حتی این تفکر توانست در نهضت مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت موفقیت‌های درخوری کسب کند. این مکتب به دلیل مغایرت آن با اعتقادات مردم و عدم انطباق ویژگی‌های خاص جامعه ایرانی با معیارهای ناسیونالیسم نتوانست در میان جامعه پایگاه محکم مردمی پیدا کند.

سوسیالیسم نیز به دلیل ماهیت غیرمذهبی خود نتوانست در میان مردم از پایگاه لازم برخوردار شود. علی‌رغم اینکه این ایدئولوژی انقلابی در ایران به دلیل مجاورت با روسیه بسیار اثرگذار بود، اما به دلیل تضاد ماهیت الحادی و اساس مادی‌گری آن با باورهای مذهبی مردم ایران از یک سو و وابستگی شدید مارکسیست‌ها به مسکو، سوسیالیست‌ها نه تنها گروهی غیر مستقل و وابسته به بیگانه شناخته شدند، بلکه خود نیز بازیچه دست سیاست‌های بین‌المللی روسیه قرار گرفتند (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

اما اسلام به عنوان مکتبی الهی در ژرفای قلب و اندیشه جامعه ایرانی نفوذ تاریخی داشت. بدیهی است در جامعه‌ای که دست کم ۹۸ درصد آن مسلمان‌اند و به احکام اسلامی عمل می‌کنند، آمادگی بیشتری برای پذیرش این نوع ایدئولوژی وجود دارد (همان: ۱۲۲).

حضرت امام(ره) با آگاهی از پای‌بندی مردم به آرمان‌ها و ارزش‌ها و احکام اسلام، ضمن نفی حکومت سلطنت و شاهنشاهی، ایدئولوژی خود را تحت عنوان حکومت اسلامی بر مبنای نظریه ولایت فقیه معرفی کرد. امام با ارائه این ایدئولوژی، تصویری از اسلام ارائه کرد که همه مزایای ایدئولوژی رقیب را در خود داشت و از سوی دیگر نظامی را معرفی می‌کرد که در آن، ارزش‌ها و آرمان‌های مطلوب جامعه نهفته بود (حاضری، ۱۳۸۰: ۴۱).

ایدئولوژی انقلاب اسلامی، برخلاف سایر ایدئولوژی‌های سیاسی قرن بیستم، آوردن مذهب به متن زندگی سیاسی بود نه جنگ با آن. ایدئولوژی در انقلاب اسلامی ایران بخش مهمی از خود آگاهی را تشکیل می‌داد و در حقیقت امید رسیدن به رستگاری امری بود که جمهوری اسلامی را به وجود آورد.

ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران از یک سو مستلزم طرد ارزش‌های حاکم بر جامعه ایران و به‌ویژه جنبه‌های فرهنگی و اخلاقی آن بود و از سوی دیگر در بردارنده ایده و آرمان تأسیس یک نظام سیاسی نوین مبتنی بر ارزش‌ها و اصول اسلامی بود که در پرتو نظریه ولایت فقیه تحقق یافته و دستاوردهای آن با میزان بسیج توده‌ها سازگاری و هماهنگی داشته است. به‌ویژه اینکه بافت فرهنگی، مذهبی جامعه با حکومت اسلامی بیشتر مانوس است تا هر حکومت دیگری که از نظر شیعه، نامشروع تلقی شده است.

رهبری: امام(ره) که تاریخ پر از تجربه روحانیت مبارز را پشت سر گذاشته بود، در دوره حکومت پهلوی دوم، خود رأساً رهبری را به دست گرفت و اجازه نداد دیگران از جمله لیبرال‌ها در رهبری و بهره‌برداری از ثمره مبارزات مردم شریک شوند. امام(ره) در حرکت مبارزه از ابتدا هدف خود را اجرا و ادای تکلیف شرعی قرار داد نه پیروزی و تحقق خواسته‌های خود و مردم. امام(ره) با استفاده از نبوغ و جذابیت خویش و تکیه بر شعارها و معیارهای روشن اسلامی و قاطعیت خود، تاکتیک‌های لازم را جهت پیشبرد اهداف خویش برای رسیدن به یک جامعه ایده‌آل اسلامی به کار گرفت. ایشان در ایجاد ارتباط با اقشار و توده‌های مردم نبوغ داشت و با کلامی بسیار ساده و قابل درک برای همه حتی بی‌سوادترین انسان‌ها، پیچیده‌ترین مسائل سیاسی، اجتماعی را مطرح و در قلوب این انسان‌های مؤمن نفوذ می‌نمود.

امام(ره) را می‌توان رهبری محسوب نمود که دارای کار ویژه‌های هر سه نوع رهبری - ایدئولوگ، بسیج گر و مدیر - است. از تبیین ایدئولوژی ولایت فقیه تا بسیج توده‌های مردم علیه نظام پادشاهی و سپس مدیریت ده ساله نظام جمهوری اسلامی ایران همگی مؤید کار ویژه‌های رهبری است (محمدی، ۱۳۷۲: ۱۰۸).

امام(ره) در دورانی که با تبعید ایشان به ترکیه آغاز شد و با عزیمت ایشان از نجف به پایان رسید، با آغاز تدریس درس حکومت اسلامی که به ولایت فقیه معروف است، طرح اصلی حکومت بعد از انقلاب را مطرح کرده و برای مردم روشن کردند که در صدد ایجاد چه نوع حکومتی در جامعه هستند. امام(ره) در این دوره از عهده ایفای نقش ایدئولوگ انقلاب به نحوه شایسته برآمدند و با طرح حکومت ولایت فقیه چارچوب اصلی نظام اسلامی را مشخص کرده و به مردم ارائه دادند.

امام(ره) به‌عنوان ایدئولوگ انقلاب پیش از بحث در مورد حکومت اسلامی، با طرح مواردی همچون، تحریم تقیه - به‌عنوان مهم‌ترین مانع بر سر راه مبارزه سیاسی -، کشاندن مبارزه به کانون اصلی فعالیت‌های مذهبی یعنی حوزه علمیه قم به منظور بطلان نظریه جدایی دین از سیاست، حمله مستقیم به قدرت‌های بزرگ خارجی و در رأس آنها آمریکا و متمرکز کردن حملات سنگین خود بر کانون اصلی فساد یعنی سلطنت و شخص شاه، به شیوه محافظه کارانه قبلی مبارزه پایان دادند و به‌عنوان رهبر مذهبی سیاسی جدید ایران بعد از مرحوم آیت الله بروجردی بارقه‌ای از امید را در دل و روح انسان‌های تشنه‌ی

مبارزه روشن کردند؛ به گونه‌ای که مردم آمال و آرزوهای خود را در کلام و وجود حضرت امام(ره) جستند و ایشان به سرعت از مقبولیت عام برخوردار شد.

در سال ۱۳۵۶ ه. ش رژیم پهلوی به دلیل بحران فرهنگی- اجتماعی موجود و انتقادات گسترده جهانی از بسته بودن نظام سیاسی مجبور به ایجاد تغییر در سیاست‌های استبدادی خود و باز نمودن فضای بسته سیاسی جامعه گشت. در این حال شرایطی در جامعه ظاهر شد که زمینه‌ساز حضور مجدد مخالفان و بهره‌برداری از آن فضا گردید.

امام(ره) از ابتدای دهه چهل تجربه بسیج جامعه علیه نظام سیاسی وقت را داشت و لذا در این مدت ارتباطش را با اقشار جامعه قطع نکرده و در فکر ایجاد انقلابی عظیم بود. از همین روی ایشان به تدوین خط مشی فکری انقلاب پرداخته بود. با حادثه انتشار مقاله‌ی توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۶ علیه ایشان احساسات مذهبی مردم جریحه‌دار شد و جامعه در شرایط انقلاب قرار گرفت. لذا امام خمینی(ره) وارد مرحله دوم رهبری شده و مسئولیت بسیج‌گری مردم را بر عهده گرفتند.

امام(ره) با آگاهی از وقایع رخ داده در ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۶ در قم و ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۶ ه. ش در تبریز به یاد چهل‌م شهدای قم، پیش از شروع ماه رمضان ۱۳۵۷ ه. ش به کلیه وعاظ و علما توصیه نمود که به افشاگری فجاج شاه در ماه‌های اخیر بپردازند و مردم را در سراسر کشور برای قیامی فراگیر آماده سازند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۳۳).

در پی این دستور در شهریورماه ۱۳۵۷، نماز عید فطر به امامت شهید دکتر مفتاح برگزار شد که در پایان آن، نمازگزاران و حتی عابران پیاده و سواره در اعتراض به فجاج رژیم دست به راهپیمایی زدند (پرهام، ۱۳۵۷: ۱۹۲).

حضرت امام(ره) با تأکید بر اینکه رژیم شاه نفس‌های آخر را می‌کشد و این قتل عام‌ها، نشانه وحشت زندگی و حرکاتی مذبحانه است؛ ضمن تأکید بر حفظ روحیه قوی و شجاعت مردم در مسیر انقلاب نوید پیروزی را به ملت ایران دادند (صحیفه نور، ج ۱: ۲۶۷).

پس از توزیع اعلامیه‌های حضرت امام(ره)، تظاهرات گسترده مردمی علیه رژیم پهلوی در قالب تظاهرات هفده شهریور ۱۳۵۷ - جمعه سیاه-، راهپیمایی ۱۳ آبان ۱۳۵۷، راهپیمایی سرنوشت ساز تاسوعا و عاشورا و اربعین شکل گرفت که این تظاهرات و راهپیمایی‌ها به‌ویژه تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷، به نمایش بزرگ مذهبی و به رفراندومی بدون شمارش آراء بدل گردید.

با ورود حضرت امام(ره) به ایران و راهپیمایی رأی اعتماد مردم به دولت موقت که به دعوت ایشان در ۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۷ شکل گرفت، در حقیقت مردم از دولت موقت اسلامی که حتی نظامیان با شعار «ما قطره‌ای از ارتش تو هستیم» در آن شرکت نمودند، پشتیبانی کردند (عمید زنجانی، ۱۳۷۵: ۳۰۰).

در کنار تظاهرات گسترده مردمی، اعتصابات همگانی مردم پس از جمعه سیاه با فرمان اعتصاب امام(ره) وارد مرحله جدیدی شد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۹۰).

با فراگیری اعتصابات در سازمان‌ها و مراکز دولتی در سراسر کشور، شاه با عزل شریف امامی و آوردن دولت نظامی از هاری کوشید تا با تهدید و ارعاب نظامی اعتصاب را متوقف نماید. اما این امر، مردم را برای ادامه اعتصابات و مبارزه مصمم‌تر کرد.

بدین ترتیب امام خمینی(ره) با دو ابراز تظاهرات و اعتصابات زمینه مشارکت همه مردم را در مبارزه علیه رژیم فراهم ساخت. تظاهراتی که بزرگ‌ترین جمعیت تاریخ بشری را به خیابان آورد و اعتصاب‌هایی که شاید بتوان آنها را در نوع خود موفق‌ترین شکل مبارزه در تاریخ جنبش کارگری دانست (فوران، ۱۳۷۸: ۵۶۷).

امام خمینی(ره) طی یک‌سال پس از پیروزی انقلاب، پایه‌های نظام جمهوری اسلامی را براساس آنچه به جامعه وعده داده بود با مراجعه به آراء مردم و انجام انتخابات متعدد از جمله رفراندوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، به رفراندوم گذاشتن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورا و در کنار آن ایجاد نهادهای انقلابی مستقر ساخت و بدین وسیله توانایی و قابلیت‌های مدیریتی خود را نشان داد.

علاوه بر این حضرت امام(ره) در مه‌ار بحران‌های داخلی کشور ناشی از گروهک‌های مخالف و معاند و مه‌ار جنگ تحمیلی هشت ساله علیه جمهوری اسلامی ایران، دقت نظر و تیزبینی و هوشیاری خود را به نمایش گذاشت.

سازمان: فرآیند سازماندهی و بسیج نیروی انسانی در جریان انقلاب اسلامی بیش از هر چیز تحت تأثیر ایدئولوژی شیعه اعم از مفاهیم هویت بخش آن و سازوکارهای ارتباطی عینی آن قرار داشته است. نظام‌های معنایی و اعتقادی ایدئولوژی شیعه، همچون ساختاری وحدت بخش و به‌عنوان عامل هویت جمعی، نقش مهمی در سازمان دهی ایفا نموده است.

نظام‌های معنایی هم منابع و هم شیوه‌های بیان و توجیه کنش در جهت تعقیب اهداف جمعی محسوب می‌شدند. نظام‌های اعتقادی که بنیان بین‌الادّهانی داشتند نه تنها ذخیره‌ای از منابع محسوب می‌شدند که امکان استفاده از آنها وجود داشت، بلکه هویتی جمعی نیز ایجاد می‌کردند که منابع غیر فرهنگی را نیز می‌توانست به خدمت گیرد و ارائه آنها را تسهیل کند. با اوج گیری فرآیند انقلابی، روحانیون با استفاده از منابع فرهنگی توانستند، حس یگانگی افراد و گروه‌ها با ایدئولوژی جنبش را تقویت کنند (فراتی به نقل از سمتی، ۱۳۷۷: ۷۰-۶۹).

سازمان قوی روحانیت به‌عنوان یکی از بسیج‌گران فعال در حرکت انقلاب اسلامی، ضمن در اختیار داشتن امکانات و منابع جمعیتی لازم از یک طرف و شرایط روحی و روانی مساعد جامعه از طرف دیگر اقدام به بسیج توده‌های مردم نمود.

روحانیت با استفاده از شرایط و امکاناتی که به‌طور سنتی در اختیار داشتند. همچون حوزه‌های علمیه، مساجد و حسینیه‌ها، زیارتگاه‌ها و سایر اماکن مذهبی و وجود مناسبت‌های دینی و مذهبی فراوان در طول سال مانند ماه‌های محرم، صفر، رمضان، شعبان و روزهای تاسوعا و عاشورا، اربعین، فاطمیه و اعیاد فطر،

قربان غدیر، نیمه شعبان و با استفاده از این ایام و ابزار و امکانات به منظور تنویر افکار عمومی مردم توانستند خود را با حضور در سطح شهرها و روستاها به توده‌های مردم متصل و روحانیت را به یک شبکه و سازمان قدرتمند اجتماعی تبدیل نمایند.

مهم‌ترین و مؤثرترین و بی‌نظیرترین‌های سازمان‌دهی، استفاده از روش مذهبی- هیئتی بود که روزهای تاسوعا و عاشورای قبل از انقلاب، طبق الگوی معمول هیئت‌ها، سازمان‌دهی شد. اهمیت جامعه‌شناختی این سازمان‌دهی مورد تعجب دانشمندان خارجی نیز بوده است (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۱۰۱). در این شبکه ارتباطی، تهییج و تحریک مردم به‌وسیله سخنرانی و خطابه‌ها، تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها، رسیدگی و پشتیبانی مالی از انقلابیون و خانواده‌های آسیب دیده از انقلاب، توزیع برخی اجناس و کالاهای ضروری و کمیاب، تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه و کمک به صورت نهادینه و ... (شریف‌پور، ۱۳۸۰: ۶۶) صورت می‌گرفت.

در کنار این شبکه ارتباطی می‌توان به سازمان سنتی دیگر یعنی بازار اشاره کرد که ارتباط نزدیکی با روحانیت و مساجد داشتند. گرایش مذهبی و رابطه نزدیک این گروه با روحانیت یعنی عامل فرهنگی نقش مهمی را در کمک آنها به جریان نهضت امام(ره) داشت. در مجموع از اواخر قرن نوزدهم بازار از ارکان مبارزه سیاسی علیه حکومت بوده است (صادق زیا کلام، ۱۳۷۲: ۹۹-۹۸).

دانشگاه‌ها در کنار بخشی از روشنفکران دینی به‌عنوان یکی دیگر از سازمان‌های بسیج‌گر جامعه عمل کردند؛ هرچند بسیار محدودتر از روحانیت بودند. دانشجویان و انجمن‌های آنان از مهترین عناصر در تأسیس زیر بنای شبکه ارتباطات و انتشار آرمان‌های انقلابی در مناطق مختلف شهر بودند (فراتی به نقل از هادیان، ۱۳۷۷: ۱۸۲).

در کنار این سازمان‌های سنتی، می‌توان به تشکیل برخی از سازمان‌های نوین ارتباطی اشاره کرد که از سوی حضرت امام(ره) با اهداف خاص طراحی شده بود. از جمله می‌توان به «ایجاد کمیته روابط عمومی» دفتر امام(ره) در پاریس اشاره کرد.

این دفتر توانست امام(ره) را از حصر رسانه‌ای خارج ساخته و از شبکه ارتباطی و رسانه‌ای موجود در فرانسه به بهترین شکل بهره‌گیرد. به‌طوری‌که حجم فعالیت رسانه‌ای امام(ره) در مدت اقامت در فرانسه- حدود ۴ ماه- به نسبت حضور در نجف در بازه زمانی مرداد ۵۶ تا مهرماه ۱۳۵۷ که بیش از دو برابر است، نشان‌دهنده فشردگی و گسترده‌گی فعالیت‌های سیاسی حضرت امام(ره) بوده است (شجاعی زند، ۱۳۸۲: ۸۰).

جمعیت: در ایران اسلامی، اکثریت قریب به اتفاق اقشار، طبقات و گروه‌های جامعه از کارگران گرفته تا کارکنان دولت و دانشجویان و دانش‌آموزان، چه شهری چه روستایی، در یک انسجام همه‌جانبه، مخالفت خود را با رژیم سیاسی پهلوی اعلام داشته و به ندای بسیج‌گران انقلاب پاسخ مثبت دادند.

آنچه که شدت و عمق انقلاب در ایران را مشخص می‌کرد دو عامل بود: یکی اراده جمعی مردم که از نظر سیاسی شکل گرفته و دیگری تمرکز این اراده بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و اجتماعی و ارزش‌های حاکم بر جامعه (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۶۵).

علاوه بر نفوذ عمیق ایدئولوژی اسلامی در میان افراد جامعه و گروه‌های اجتماعی و پذیرش آن توسط مردم به‌عنوان عامل وحدت بخش ایرانیان و نقش برجسته و نیرومند شخصیت حضرت امام(ره) و روش تبلیغی ایشان به‌عنوان یک رهبر سیاسی - مذهبی منحصر به فرد در زمان خویش از یک سو و عوامل مؤثر سازماندهی انقلاب در حرکت نهضت که قبلاً بدان اشاره شد و همگی بر بسیج توده‌های مردمی نقش مؤثری داشتند، می‌توان به عوامل دیگری که در گستردگی و مشارکت مردم ایفای نقش کرده است اشاره نمود.

همبستگی میان رهبران و عامه مردم از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مردم محسوب می‌گردد که در این راستا مذهب، بیشترین نقش را در تحریک توده‌های جامعه ایفا می‌کند. مراجع تقلید و روحانیت در نظام روحانیت شیعه از رابطه‌ای معنوی با توده مردم برخوردار بوده و دستورات و نظرات آنان مورد پذیرش جامعه ایران بوده است. همین امر بزرگترین بسیج سیاسی را در تاریخ انقلاب‌های جهان سامان داده است. در حالی که در انقلاب‌های فرانسه و روسیه، به‌عنوان مظاهر ایدئولوژی‌های حاکم بر دو بخش اصلی جهان کنونی، مشارکت توده مردم در حداقل بوده است (محمدی، ۱۳۸۲، ۱۷۱-۱۷۰).

ماهیت رژیم سیاسی پیشین، در بسیج توده‌های جامعه و مشارکت آنها در حرکت انقلاب نقش داشته است.

رژیم پهلوی، دیکتاتوری و اختناق را جزو لاینفک ساختار خود قرار داده بود. در نتیجه مطابق قانون هر عملی را عکس‌العملی است درست در خلاف جهت آن، هر اندازه اختناق حکومت بر مردم افزایش می‌یافت، مخالفت گروه‌های مردمی نیز گسترش بیشتری یافته و در فرصت‌های مناسب ناراضی‌های خود را متوجه رژیم می‌نمودند و به پیام رهبران خود پاسخ مثبت می‌دادند (زیباکلام، ۱۳۷۲: ۱۱۴).

نتیجه‌گیری

امام خمینی(ره) از همان ابتدای حرکت نهضت خویش، مردم را مخاطب اندیشه‌ها و اهداف انقلابی خود قرار داد و آنان را با مصالح و منافعشان آگاه نمود. ایشان به منظور نابود ساختن رژیم شاهنشاهی، همواره مردم را تحریک و دعوت به قیام می‌نمود. در زمان، حکومت پهلوی، گروه‌های مختلف در فرآیند مبارزات سیاسی خود هریک از راهبردی متفاوت استفاده می‌کردند. عده‌ای نظیر: چریک‌های فدایی خلق، مجاهدین خلق و گروه‌های چریکی مذهبی از راهبرد مبارزه مسلحانه و برخی دیگر از جمله: جبهه ملی، نهضت آزادی از راهبرد اصلاح‌طلبانه و مشی سیاسی و مسالمت‌آمیز استفاده می‌کردند.

اما امام(ره) بدون تأیید این گروه‌ها، به استراتژی بسیج و حضور همه جانبه مردم در مبارزه تأکید داشتند.

در شرایطی که گروه‌های اصلاح طلب پیش از دهه پنجاه از ادامه حرکت مایوس شده بودند و طرفداران مبارزه مسلحانه نیز یا در زندان به سر می‌بردند و یا از درون با حکومت پهلوی دست و پنجه نرم می‌کردند، امام(ره) برای عمومی کردن مبارزه علیه شاه، خروج از این بن‌بست را به مردم نوید داد. در اندیشه حضرت امام(ره) نه مبارزه مسلحانه مطرح بود و نه تشکیل احزاب سیاسی و مصالحه با قدرت‌ها، بلکه ایشان راه فرهنگی را برگزید که به تأسی از نهضت‌های انبیاء قرار داشت.

امام(ره) با توجه به بافت اجتماعی، فرهنگی ایران در سال‌های پایانی رژیم پهلوی که بیانگر اشتراک مذهبی اکثریت و عدم تعارض مذهبی و داشتن انسجام درونی در عین کثرت جمعیت در چارچوب دین اسلام بود، با نشر اصول اندیشه سیاسی اسلام به ویژه فقه سیاسی شیعه در سطح جامعه‌ای که اکثریت قریب به اتفاق ساکنان آن با اسلام مانوس بودند، توانستند ضمن نفی و ردّ نظام شاهنشاهی و ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از عملکرد حکومت پهلوی، تصویری روشن از نظام سیاسی آینده در قالب نظریه ولایت فقیه مطرح نمایند. امام(ره) نظام سیاسی‌ای را در میان جامعه معرفی کردند که با بافت فرهنگی و ارزشی جامعه نزدیک بود و توانست این نظام را از قوام و دوام و ثبات برخوردار نمایند. حضرت امام(ره) در کنار ترسیم وضع مطلوب نظام سیاسی آینده، با استفاده از ابزار و امکانات مختلف بسیج‌گر مردم به ویژه تظاهرات و اعتصابات توانستند زمینه مشارکت مردم را فراهم نموده و به قول جان فوران در کتاب مقاومت شکننده، بزرگ‌ترین جمعیت تاریخ بشری را به خیابان‌ها بیاورند.

امام(ره) برای بسیج توده‌ها در سطح جامعه از شبکه‌های ارتباطی قوی چون روحانیت و مساجد، بازار و دانشگاه‌ها و... بهره جستند و با توجه به ارتباط مردم با این شبکه‌ها و اعتماد فیما بین آنها، توانستند توده‌های مردم را در صحنه انقلاب بسیج نمایند.

از منظر امام(ره) مردم مرکز حرکت مبارزه به شمار می‌رفتند و بر همین اصل، مبارزات مسلحانه و مبارزات در قالب روش‌های اصلاحی و پارلمانی به دلایلی که قبلاً اشاره شد، نفی گردید و راهبرد بسیج مردمی به جای آن نشست.

منابع

- احمدوند، شجاع (۱۳۷۶)، مجموعه مقالات سمینار انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، جلد ۲، قم: انتشارات معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳)، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۲)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
- پرهام، سیروس (۱۳۵۷)، انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی، ترجمه شیرازی، تهران: امیرکبیر.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵)، انقلاب و بسیج سیاسی، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

- حاضری، علی محمد (۱۳۸۰)، *انقلاب و اندیشه: مباحثی در جامعه شناختی انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
- خسروی، احمد علی (۱۳۷۹)، *بررسی استراتژی امام خمینی در رهبری انقلاب اسلامی*، قم: پیک جلال.
- رفیع پور؛ فرامرز (۱۳۷۶)، *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی با مسائل اجتماعی ایران*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- روحانی، حمید (۱۳۷۴)، *نهضت امام خمینی*، جلد ۳، تهران: مراکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روحانی، حمید (۱۳۵۸)، *آوای انقلاب: گزیده‌هایی از نامه‌ها، اعلامیه‌ها و نطق‌های روشنی بخش و انقلاب آخرین امام خمینی*، قم: دارالفکر.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۲)، *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*، تهران: روزنه.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۲)، *برهه انقلابی در ایران*، تهران: عروج.
- شریف پور، رضا (۱۳۸۰)، *مسجد و انقلاب اسلامی*، تهران: مراکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صدر، محمد (۱۳۷۶)، *استراتژی امام، لبخند به مردم*، فصلنامه حضور، شماره ۱۹.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۵)، *انقلاب اسلامی و ریشه‌ها*، تهران: کتاب طوبی.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۷)، *رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)*، قم: نشر معارف.
- فوران، جان (۱۳۷۸)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران دوران صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۲)، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*، قم: نشر معارف.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۲)، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۰)، *انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها*، قم: نشر معارف.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۲)، *در جستجوی راه از کلام امام*، دفتر دهم، تهران: امیرکبیر.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۵۷)، *ولایت فقیه*، تهران: امیرکبیر.
- موسوی خمینی، روح الله (بی تا)، *کشف‌الاسرار*، قم: پیام اسلام.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۱)، *صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام خمینی*، جلد ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، *تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۷۶)، *هاشمی رفسنجانی: دوران مبارزه*، زیر نظر محسن هاشمی، تهران: نشر معارف انقلاب.

- A. Etzioni (1968), *The active society*, New York, Free Press.

- Arjomand Said Amir (1986), *Iran's Islamic Revolution in comparative perspective*, World politics, Vol. 38.

- Brinton, C. (1965), *The Anatomy of Revolution*, Vintage, New York.

- Gurr, Ted Robert (1971), *Why men rebel*, Princeton university press, Princeton.
- Tilly, Charles (1978), *From mobilization to revolution*, London: Adison Wesley publishing company.